

نکاتی چند درباره گفته های داکتر هاشمیان

دیروز جناب داکتر صاحب هاشمیان در پروگرام صدای مردم خود از تلویزیون صدای افغانستان اظهاراتی داشتند. ایشان اولاً در باره لویه چرگه عنعنوی و مسئله خط دیورند صحبت نمودند و قسمت سوم گفتارشان در باره اعتصاب غذائی خانم سیمین بارکزی بود و در اخیر سخنشان به انتشارات و اعلانات جناب مسکینیار صاحب کشانیده شد که البته تمام گفتارشانرا شنوندگان محترم شنیده اند و هر کس به موضوع دلخواه خود دلچسپی میگیرد. اما من میخواهم در باره گفته و نظرشان راجع به اعتصاب غذائی خانم سیمین بارکزی نکاتی چند بعرض برسانم.

خانم شجاع و قهرمان مملکت افغانستان از تاریخ ده میزان دست به اعتصاب غذائی زده و طوریکه همه مشاهده فرمودند در خیمه ای مقابل تعمیر ولسی جرگه مردم جا گزین گردید و به دورش سه طفلش که بزرگتر آنها در حدود سیزده ساله و خردتر آن دو ساله بیشتر نیست در حالت ضعف و بیحالی طفل دوساله اش در بغل افتاده بود.

اکنون جناب داکتر صاحب هاشمیان این اعتصاب او را خود کشی نامشروع و خودنمائی میخواند و علاوه میدارد که در شریعت اسلام خود کشی حرام است و این خانم بخاطر احراز چوکی و مقام دست بخود کشی میزند و دیگران آنرا شاخ و برگ میدهند. بسیاری خودکشی میکنند و نباید دیگران به آن شاخ و برگ بدهند.

جناب هاشمیان فکر نمیکنند که این عمل او مثل این است که کسی یک کوه را بجناباند و از جایش بلند کند و یا خود و اطفال خود را به قعر دریا بیاندازد و یا در آتش سوزان بسوزاند. دل کندن از اطفال معصوم برای یک مادر کار ساده و آسانی نیست. و اینکه جناب هاشمیان می فرمایند برای احراز چوکی این کار را کرده باید بعرض رسانیده شود که هیچ کس برای بدست آوردن چوکی این درد بزرگ را متحمل نمیشود.

چوکی آن خانم بزرگ چوکی نبود که دولت برایش داده باشد و اکنون پس گرفته سبب اعتصابش شده باشد. چوکی او چوکی انتخابی مردم است که در آن خیانت، ظلم و بیعدالتی صورت گرفته است.

خانم سیمین بارکزی واضحاً در حضور تمام مردم گفت اگر مقصودم چوکی میبود دولت چوکیهای بزرگ تریرا بمن پیشنهاد کرده بود. بهتر بود جناب هاشمیان به علت و انگیزه این اعتصاب و قیام متوجه میشد که متأسفانه باوجود درجه داکتری و یک عمر تجربه فهمیده نتوانسته اند.

جناب هاشمیان!! او در مقابل ظلم، بیداد و بیعدالتی به چنین عمل بزرگ دست زده ولی شما با این چنین گفته ها و طرز تفکر از ظالمان، از زورگویان و بیعدالتی حمایت میکنید و به مردم اندرز میدهید که از حق قانونی خود دفاع نکنند و اعمالشانرا دور از حقوق بشر، حقوق هم شهری و غیره میخوانید و اسم پروگرام تانراهم صدای مردم گذاشته اید. . . هرگاه یک داکتر معمر و چیز فهم ما چنین ایقان و طرز تفکر دارد بدا بحال ما مردم است که به چنین روزی افتاده ایم.

جناب هاشمیان!! برای روشن شدن ذهن تان باید بعرض برسانم که خانم قهرمان سیمین بارکزی در مقابل چوکی و برای احراز چوکی اعتصاب نکرده بلکه در مقابل بیعدالتی، ظلم و حق تلفی قیام کرده و این نوع قیام راهمه مردمان جهان بشمول مردمان با دیانت روا و لازم دانسته اند.

آیا قیام حضرت امام حسین نواسه حضرت پیغمبر که بدون هیچ شبهه خود کشی مطلق بود در مقابل ظلم، بیعدالتی و حق تلفی نبود؟ تو هرچه فکر میکنی بکن اما من درجه خانم بارکزی را اگر خدا ناخواسته تلف شود شهید و برابر با شهداء دشت کربلا میدانم. . . و ازحضورت دوستانه و برادرانه خواهش میکنم که دیگر هیچگاه مستقیم و یا غیر مستقیم از ظالم، حق تلفی، و غاصب حمایت و طرفداری نکن و درین پس پیری برگناهان دوره جوانی ات که حتماً شاید مرتکب شده باشی گناه دیگری را اضافه نکن.

چیز دیگری که از خلال گفته هایت با وجود اینکه دفعه دوم است که برنامه ات را دیده ام دریافت کردم این است که جناب تان عقده مند هستید و درباره آقای مسکینیار صحبت طولانی که فرمودید نمایانگر عصبیت و عقده مندی تان بود. من خودت و مسکینیار را چنین مقایسه میکنم که آقای مسکینیار را شنوندگانش لائق رتبه های بلند حتی ریاست

جمهوری میدانند و من چند مراتبه در اوقات مختلف از زبان اشخاص مختلف شنیده ام که به مسکینیار گفته اند کاش خودت رئیس جمهور میبودی؟

اما خودت چون میدانی که بگفته هایت کسی قبول و اعتنا ندارد و انتظار حرف های رکیک حتی دشنام را داری پیش از پیش از همه خواهش میکنی و اخطار میدهی که گفته های خود هارا بداخل چوکات ادب ابراز دارند و از بدگوئی و دشنام پرهیز نمایند.

اکنون قضاوت را بخوانندگان محترم میگذارم و از خودت خواهش میکنم که چنانچه پروگرام روز سه شنبه ات را فسخ کردی پروگرام روز شنبه ات را هم فسخ کنی بهتر خواهد بود

والسلام.

تیمورشاه تیموری از آلمان